

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد عزیز: حاج آقای عزیز بنده طلبه ام، ناچیز و حقیر. اما با همه کاستی ام از همه راحتی هایی که برای بعضی ها جزء وظیفه شده چشم پوشی کرده ام و برای تبلیغ دین و قرآن و فرهنگ اهل بیت مشغول تبلیغ دین شده ام. سعی کرده ام مبنای کار تبلیغی ام را خودشنایی و خودسازی قرار بدم و خودم را وارد دنیای جدیدی کنم که در اون دنیا با دعا حیات دارم و با نماز صفا و خود را در جایی جستجو می‌کنم که گویی دیگران یا با آنجا غریبه اند یا اینکه آن را نفی می‌کنند. فکر می‌کنم می‌توان صورت عملی یک زندگی ای شد که غیر از وجود چیزی نجست و طلب نکرد و از همه اعتباریات و کثرات خلاص شد و همه را با لطافت این اصل اساسی همه چیز آشنا کرد تا به تدریج خود را ذیل همین زندگی غریب آشنا، معنا و تعریف کنند. اما استاد عزیز گرفتاری عجیبی پیش آمده. هر چقدر خود را از اعتباریات و زندگی کثرت زده فعلی دور می‌کنم به چالش ها و دوری حوزه علمیه از فرهنگ اهل بیت واقف تر میشم! چه کارها که به اسم قانون ولی به قیمت بی تاریخ شدن حوزه داره شکل میگیره و گویی همه در خوابی زمستانی آرمیده اند! گویا حوزه علمیه اهداف متعالی خود را در آینده تاریخ نمی‌شناسند تا به نسبت همین اهداف برنامه خود را بیابد و ادامه حیات دهد! چه معنا دارد حوزه هویت خود را گم کند و مبنای تصمیم گیری خود را مطابق نفس اماره غربی قرار دهد؟ کدوم فرهنگ بی فرهنگی حوزه را به این بی تاریخی کشانده که برای پیشرفت کمی و کیفی خود از ابزار ترس و گروهان کشی استفاده می‌کند؟! استاد مگر می‌شود حوزه برای غیبت در یک جلسه، مقدار قابل توجه ای پول از شهریه یا حق التبلیغ کسی کم کند! این دیگر چه روش تربیتی بی تربیتی است؟! مگر می‌شود حوزه شبیه پادگان نظامی شود و جریمه های روحی و روانی و مالی برای خطای سیستمی در نظر بگیرد؟! حوزه را چه شده و چه میکند با این سرمایه بزرگان دینی؟! حوزه قرار بود زندگی دیگری را به مردم متذکر شود، ولی گویی خود اسیر اقتضائات ارضای نفس اماره است! حوزه قرار بود فرهنگ ایثار، خدمت، گذشت، مهربانی، ساده زیستی، صمیمیت، نورانیت، وحدت، خلوص، انعطاف و ... را به جامعه هدیه دهد! به هیچ وجه نمی‌توانم بفهمم در حوزه دویست سال پیش چه جور فکر می‌کردن و ادامه حیات می‌داند که خردمندان آرزوی همان زندگی آن علما و طلاب وارسته را دارند و امروز چه بر سر ما آمده که خود را در زندگی کثرت زده معنا می‌کنیم و آرزوی هر چه بیشتر شدن همین اعتباریات را داریم؟! گویا به جای اینکه ما مردم را متوجه نوع دیگری از زندگی فرای این زندگی کثرت زده کنیم، این ما هستیم که هویت خود را گم کرده ایم و به دنبال همین خواسته های وهمی عموم جامعه هستیم؟! استاد شما بگید چه بر سر حوزه علمیه آمده؟!

باسمه تعالی: سلام علیکم: اولاً: خدا را شکر کنید که متوجه هستید خداوند شما را متوجهی عالم کیفیت‌ها کرده. ثانیاً: بدانید خداوند این عطا را از طریق همین سربازی حضرت امام زمان «عجل‌الله تعالی فرجه» به شما داده است. ثالثاً: آری! این مشکلات هست ولی باید از این پل صراط عبور کرد و نه این‌که مأیوس شویم. همان خون دلی که حضرت امام «رضوان‌الله تعالی علیه» در همان دوران‌ها خوردند ولی راه خود را ادامه دادند؛ امثال شماها نیز باید بخورید. موفق باشید